



دوره ۴۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحات ۲۲۷ تا ۲۵۵

ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)

بابک پورقهرمانی*

استادیار دانشکده علوم انسانی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

ایرج نگهدار

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۲/۶)

چکیده

با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ شاهد ورود نهادهای ارفاقی جدیدی به نظام عدالت کیفری ایران هستیم. نهادهای مذکور با رویکردی ارفاقی درصددند تا ضمن اعمال کیفر زمینه را برای بازسازی محکوم‌علیه فراهم کنند. ولی این نهادها تا چه حد با فرهنگ قضایی سازگارند؟ مطالعه حاضر با هدف ارزیابی رویکرد قضات به نهادهای ارفاقی با استفاده از روش کمی و توصیفی - مقایسه‌ای صورت گرفته است. روش پژوهش در این تحقیق پیمایشی است و از نظر هدف و ماهیت موضوع مورد بررسی، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر حوزه تحقیقات اجتماعی، تحقیق توصیفی و از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسئله، توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش آرای محکومیت قطعی شعبات کیفری بدوی و تجدیدنظر استان کردستان با قابلیت اعمال نهادهای ارفاقی در نیمه اول سال ۱۳۹۶ است که با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۴۰ رأی از حجم نمونه ۴۴۰۰ دادنامه منجر به محکومیت قطعی از ۲۲۰۰ پرونده شعبات مذکور انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش مبتنی بر آمار مأخوذه، نشان می‌دهد که رویکرد قضات همچنان به اعمال نهادهای ارفاقی سنتی است که به‌نظر می‌رسد عواملی چون آمارگرایی، عدم انس جامعه کیفری با نهادهای جدید و رویکردهای عوام‌گرایانه کیفری سبب شده که نهادهای ارفاقی جدید کمتر مورد توجه قضات قرار گیرند.

واژگان کلیدی

رویه قضایی، قانون مجازات اسلامی، محاکم کیفری، نهادهای ارفاقی.

* pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir

درآمد

حقوق جزای عمومی، قواعد عمومی جرم، مجازات و مسئولیت کیفری را بیان می‌کند، از این رو ثبات آن ثبات جامعه کیفری را در پی خواهد داشت و آنگاه که تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی تغییراتی نظام‌مند در نظام کیفری را اقتضا کند، تغییر مشی سیاست جنایی باید با تعامل بیشینه در کلیه نهادهای دخیل در پروسه دادپروری صورت گیرد تا هم قانون و هم مقنن و هم قضات و متصدیان نهاد عدالت و هم مخاطبان جامعه کیفری به اکمل درجات بتوانند از قاعده جهل به قانون که گاهی ناشی از ابهام و عدم کارایی قانون است، در امان بمانند. دادگاه مهم‌ترین نهاد نظام عدالت کیفری است که متصدی دادرسی و صدور حکم است و دادگاه، رویه قضایی را در تکمیل و تفسیر قانون جزا پدید می‌آورد، به نحوی که می‌تواند نقص‌ها و کمبودهای نظام تقنینی را جبران کند. «جرم‌شناسی حقوق کیفری» به‌عنوان یکی از مهیج‌ترین حوزه‌های مطالعاتی علوم جنایی، چند صباحی است مورد توجه برخی جرم‌شناسان قرار گرفته و در آن تلاش بر شناخت نهادهای کیفری و ارزیابی کارآمدی آنهاست تا ضمن آسیب‌شناسی، راهکارهای مناسب را ارائه کند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دو اندیشه و دو رویکرد «بازپروری»^۱ و «ناتوان‌سازی»^۲ را در تفکر قانونگذار به منصفه ظهور رسانده است؛ سیاست بازپروری در خصوص مجرمان اتفاقی در نهادهای چون «تعویق صدور حکم» و «معافیت قضایی از کیفر» و «توبه» و سیاست «ناتوان‌سازی» در برابر راهبردهای نظریه مجازات استحقاقی و محروم کردن مجرمان حرفه‌ای از ارفاقات نوین. از بعد جرم‌شناختی، نظام قانونی جدید، نهادهای جدیدی پیش‌بینی شده است که در قوانین قبلی سابقه‌ای نداشت. قانون مجازات اسلامی در پنجمین سال اجرای قانونی خود در عرصه عدالت به‌عنوان اهرم نیرومند قانونی در اختیار قضات گرفته است تا به پیروی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات و در راستای شخصی کردن مجازات‌ها با رویکردی ارفاقی و مبتنی بر شناخت و عقلانیت در اعمال که آن هم ملهم از نگرش کارگزاران و زمامداران دستگاه قضاست، از صبغه صرفاً کیفرگرایانه قواعد کیفری به وجه فایده‌گرایانه آن که همان اصلاح و بازپروری مجرمان است، همت کنند.^۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ توانسته است گفتمان عقلانی و منطقی را بر رویکردهای پیشین تا حدود زیادی حاکم نماید و از همین روی، رجعتی گسترده به قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ و تجربه قوانین خارجی صورت گرفته است. قانون سابق اختیارات قضات را منحصر در چند مجازات سنتی کرده بود و مراجع نظارتی هم جرأت قضات برای اعمال مجازات‌های عرفی را از آنان ستانده بود. مقنن جدید

1. Rehabilitation

2. Incapacitation

۳. در این خصوص موضوعی که نباید مورد غفلت واقع شود، رویکرد اصلاح‌مدار و بازپروری مجرمان با استفاده از واکنش‌های اجتماعی و تسامح‌مدار است و از آنجا که ارفاقات جدید که بیشتر برگرفته از نظام‌های حقوقی دیگر است تا چه حد به موفقیت آنها در کشورهای توجه شده، موضوع قابل بحثی است، کما اینکه اساساً نهضت بازگشت به کیفر یا تسامح صفر پس از طرح ناکارآمدی و ناکارایی اندیشه بازپروری و واکنش اجتماعی مجرم‌محور و ترحم‌مدار در سیاست کشورهای غربی، رویکردهای نوینی چون عدالت ترمیمی و عدالت تخمینی یا آماری یا سنجشی و عدالت استحقاقی و سیاست تسامح صفر با جرائم خرد را موجب شده است.

در این زمینه قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» را تفسیری موسع کرد و تحولات مهمی را به وجود آورد (زراعت، ۱۳۹۳: ۲). قانون مجازات اسلامی سال ۹۲، در جهات مختلفی حاوی نوآوری‌ها و ابتکاراتی است که در طول تاریخ حقوق جنایی معاصر ایران بی‌سابقه یا حداقل کم‌سابقه جلوه می‌کنند. تعیین نظام‌های جایگزین حبس، طراحی الگویی منحصربه‌فرد و خاص برای واکنش در قبال بزهکاری اطفال، پذیرش نهاد تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و... در قانون جدید حکایت از تغییر کانون تفکر قانونگذار ایرانی از آموزه‌های مکتب کلاسیک به آموزه‌های مکتب اثباتی و دفاع اجتماعی نوین دارد که آشکارا بر تحرک نظام حقوق کیفری ایران به سوی رهیافت‌های نوین علوم جنایی و به‌ویژه علم جرم‌شناسی صحنه می‌گذارد (حق‌پناهان، ۱۳۸۳: ۲). مصادیق مذکور در قانون مجازات اسلامی ۹۲ از دید مقنن دارای رویکردی ارفاقی است، به آن معنی که سعی در ایجاد راهکاری مسالمت‌محور و رأفت‌مدار در مقام کیفر مجرم دارد. ارفاق‌هایی را که در تفکر بنیانگذاران مجموعه سیاست جنایی عینیت یافته است، در این وادی در تکاپوست که از اعمال و اجرای مجازات خودداری کند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۰۲). در چند دهه اخیر تاریخ زندگی بشر، نظرهای جدیدی در خصوص جرائم و مجازات‌ها ابراز شده است. جوامع کنونی در سیاست جنایی خود تلاش دارند تا با تدابیر مختلفی همچون جرم‌زدایی و قضا‌زدایی از برخی انحرافات اجتماعی جلوگیری کنند^۱ (محمد نسل، ۱۳۸۳: ۳۴۲).

از طرفی اجرا و اعمال «نهادهای ارفاقی» نیازمند فرهنگ قضایی است که بررسی دادنامه‌ها و تصمیمات مأخوذه در شعب کیفری بدوی و تجدیدنظر می‌تواند نمایانگر فرهنگ مذکور قلمداد شود. در این زمینه به نسبت جمعیت شهرستان‌ها سعی در انتخاب کمی پرونده شده و چنانچه شهرستانی جمعیت بیشتری داشته است، پرونده‌های بیشتری انتخاب شده‌اند. همچنین سعی شده است تا تمامی شعبات کیفری در تمامی شهرستان‌های استان کردستان^۲ مدنظر باشند. در این پژوهش دادنامه‌های شعبات بدوی پس از صدور حکم محکومیت متعاقباً به سبب اعتراض طرفین در شعبات تجدیدنظر استان مطرح و از این جهت نیز سعی شده است تا به نحوی رویکرد محاکم تجدیدنظر استان در مقایسه با شعبات بدوی مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه این آمار می‌تواند

۱. در نقطه مقابل طرفداران جنبش بازگشت به کیفر معتقدند کارنامه اقدامات پیشگیرانه و مبتنی بر اصلاح و درمان روشن نیست و آموزه‌های مبتنی بر بیمار تلقی کردن مجرم در عمل با شکست مواجه شده است (برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹؛ غلامی، ۱۳۸۴؛ داوودی گرمارودی، ۱۳۸۴؛ کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴).

۲. اساساً این تحقیق به‌عنوان تحقیقی میدانی، می‌بایست در یکی از حوزه‌های قضایی استانی انجام می‌گرفت، از آنجا که محقق خود از کارکنان شاغل در محاکم تجدیدنظر استان کردستان بود، لذا این موقعیت با نظر مساعد مسئولان محترم قضایی و انفورماتیک و آموزش استان فراهم شد تا با بررسی دادنامه‌های شعبات به‌صورت حضوری و اخذ آمار از سیستم مدیریت قضایی از غالب شعبات کیفری استان به‌صورتی منحصربه‌فرد میزان آرای صادره به‌صورت تفکیکی در خصوص نهادهای ارفاقی بررسی شود. با وجود تمام کاستی‌های موجود این تحقیق در نوع خود منحصربه‌فرد و حاوی آماری عینی استفاده از واقعیت نهادهای ارفاقی در مقام عمل است. تا حدود زیادی سعی بر گسترش دامنه فرضیات تدوری عدم تمایل قضات به‌عمل آمده و حتی از تعمیم فرضیات تحقیقات دیگر در این خصوص بهره‌برداری شد، لکن همچنان که پیشتر مفروض داشته‌ایم، هدف اصلی نشان دادن آمار عینی رویکرد قضات به نهادهای ارفاقی است که رسیدن به نتیجه قطعی در خصوص کیفیت این تمایلات مستلزم تحقیقی میدانی در این زمینه است که با وجود تلاش محقق به علل گوناگون این مهم میسر نشد.

ارائه‌دهنده واقعیات زیادی در میزان موفقیت مقنن در قانونگذاری جدید باشد. آنچه مهم است کاربرد و کارایی مقررات در عمل و توسط قضات است. سؤال اصلی این است که قضات تا چه حد به اعمال نهادهای جدید ارفاقی تمایل دارند^۱؟ آیا رویکرد سیستم کیفری همچنان متمایل به استفاده از نهادهای ارفاقی سنتی است؟ فرضیه ارائه شده آن است که قضات تمایل چندانی برای استفاده از نهادهای ارفاقی جدید ندارند و حاکمیت همچنان با نهادهای سرکوبگرانه است.

در این مجال سعی بر آن است تا نتیجه آخرین تلاش‌های مقنن کیفری در راستای بهره‌برداری از یافته‌های جرم‌شناسی و دستاوردهای نوین فایده‌گرایی مجازات که همان اصلاح و بازپروری مجرمان با استفاده از «نهادهای ارفاقی» مانند تعلیق و تعویق و... است، در تحقیقی میدانی ارزیابی شود. وجه غالب نگرش قضات می‌تواند همبستگی معناداری با تعداد موارد بهره‌برداری از «نهادهای ارفاقی» داشته باشد.^۲ در این تحقیق تعاریف و مفاهیم نهادهای ارفاقی و سایر موضوعات پژوهش تشریح و سپس روش و شرایط و ابزارها و مسیر طی شده در حصول آمار و بررسی داده‌ها مشخص شده و در نهایت یافته‌ها و دستاوردهای تحقیق در جداول علمی تبیین و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای قابل اجرا بیان شده است.

۱. تعاریف مفهومی و عملیاتی

نهادهای ارفاقی در راستای اصل تفرید قضایی و به‌منظور اعمال اصل تناسب بین جرم و مجرم و مجازات انتسابی در قانون مجازات اسلامی در دو بخش قابل تقسیم‌بندی هستند.

۱. با نگاهی به رویه قضایی ایران بعد از انقلاب اصولاً در ایران دو نوع رویکرد در برخورد با بزهکاران در میان قضات وجود دارد. برخی قضات معتقدند که برای تأمین امنیت و آرامش جامعه و نیز حفظ آزادی‌های فردی، تنها راه‌حل مسئله بزهکاری و مشکل بزهکاران، برخورد کیفری محض با آنان است و کاربرد مفاهیم علوم انسانی و از جمله جرم‌شناسی و کیفرشناسی در این خصوص نه‌فقط مسئله را حل نمی‌کند، بلکه آن را پیچیده‌تر می‌سازد، هرچند سزاگرایی در مرحله صدور حکم در ایران مبتنی بر سیاست کلان نهاد عدالت کیفری نیست، بلکه این امر دیدگاه اکثریت قضات است که برخورد شدید با مرتکبان مانع مهمی در بازدارندگی و پیشگیری از تکرار جرم است. از طرف دیگر، عده‌ای از قضات معتقدند که کیفرهای که معقول باشد و نسبت به ارزش مورد حساسیت قانونگذار متناسب باشند، من حیث‌المجموع، بازدارندگی بیشتری نسبت به کیفرهای صرفاً شدید دارند و معتقدند تناسب بین جرم و مجازات باید در مرحله اجرا نیز رعایت شود (به نقل از: جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۲. محقق به این مهم واقف است که نتیجه قطعی تحقیق منوط به ارائه پرسشنامه به قضات جامعه تحقیق و انطباق آمار دادنامه‌ها با نتایج پرسشنامه‌ها جهت حصول نتیجه علمی‌تر می‌بود. لکن همچنان که در اثنای پژوهش هم بدان اشاره شده است، به‌سبب محذورات خاص موجود امکان این مهم فراهم نشد، لکن آنچه خود به‌صورت مستقیم به‌سبب حضور در جامعه مورد هدف ملاحظه کرده‌ام، دقیقاً تأییدکننده صحت نتایج این تحقیق است. هرچند محقق درصدد است که طی تحقیقی جامع و گسترده‌تر در این زمینه نیز اقدام کند.

۱.۱. نهادهای ارفاقی^۱ سنتی

مواد ۳۷ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مجموعه متنوع و گوناگونی از تلاش نوین مقنن را در خصوص عدول از مبانی سزاگرایانه اعمال کیفر به منصفه ظهور رسانده، همچنین مواد ۱۰۵ تا ۱۳۹ این قانون به نوعی ارفاق آمیز در حق متهم خواهد بود چه در خصوص مقررات مرور زمان پیگیری و اجرای حکم و چه از باب وضع و گنجاندن نهادهای شرعی توبه و دراء.

تخفیف مجازات: ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی درصدد اعطای اختیاراتی به قضات در راستای تفرید قضایی است. غیر از اصلاحات عباراتی، مهم ترین تغییری که در موضوع جهات مخففه در این قانون به چشم می خورد، مربوط به بندهای «ث»، «ج» و «ح» آن است. بند «ث» در قانون قبلی «وضع خاص متهم یا سابقه او» به عبارت «وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری» تغییر کرده و بندهای «ج» و «ح» می تواند ارفاق جدید مقنن در افزایش شرایط بهره مندی از تخفیف در مجازات باشد که در قانون قبلی وجود نداشت.

تعلیق اجرای مجازات^۲: در قیاس با قانون سابق در قانون جدید از چند جهت تحولات و تغییراتی صورت گرفته است؛ از جمله ارجاع شرایط تعلیق اجرای مجازات به شرایط تعویق صدور حکم، کاهش زمان و نصاب حداقلی تعلیق از دو سال به یک سال که نوعی ارفاق است، لحاظ سپری شدن مدت یک سوم از محکومیت جهت اعمال تعلیق و قابل مطالبه بودن اجرای تعلیق توسط محکوم و دادستان و قاضی اجرای احکام، پذیرش تعلیق مجازات در مرحله اجرای حکم که از مهم ترین پارامترهای جرم شناختی در قانون جدید است (حق پناهیان، ۱۳۸۳: ۷۲). ذکر این نهاد به علت ارتباط شرایط آن با نهاد تعویق صدور حکم و از سوی دیگر تمایل قضات به آن با توجه به سابقه قبلی نهاد تعلیق در قوانین، سبب شد که به عنوان نهادی ارفاقی نسبتاً متفاوت تر از نهاد تعلیق قبلی و دارای کاربرد از نظر محاکم، در این تحقیق بررسی شود تا دلیلی باشد بر این مدعا که غالب قضات به «نهادهای ارفاقی» قبلی تمایل دارند.

نظام نیمه آزادی^۳: نظام نیمه آزادی یکی از جلوه های نوین کیفرزدایی یا زندان زدایی ناقص در قانون مجازات اسلامی به شمار می رود که علاوه بر اینکه می تواند نقش عمده ای در کاهش جمعیت

۱. ارفاقی که مدنظر این تحقیق است، ظاهر قضیه و پیش فرضی استوار بر رویکرد جدید مبتنی بر نظر قانونگذار و اساساً سعی شارع کیفری در اتخاذ راهبرد اصلاح و درمان است و هدف نهایی تحقیق نیز استخراج آمار شش ماه محاکم کیفری بوده است. اما اشاره به این موضوع مهم است که سیاست اصلاح و درمان مجرمان، یک رویکرد انسانی متأثر از یافته های جرم شناسی بالینی است. مخالفان که اغلب دیدگاه امنیتی به حقوق کیفری دارند، به انحای مختلف سعی کردند با انجام تحقیقات، ناکارآمدی سیاست اصلاح و درمان را به تصویر کشند و بر این اساس از سال ۱۹۷۴ افرادی مانند «موریس کوسن» و «رابرت مارتین سون»، ملهم از یافته های تحقیقاتی خویش، با شعار «هیچ چیز مؤثر نیست»، صریحاً مدعی شکست سیاست اصلاح و درمان شدند. متعاقب این اظهار نظر، به تدریج با ورود مفهوم خطر ریسک جرم، به حوزه حقوق کیفری، مفسران اولیه آن از جمله «سیمون و فیلی» یک سیاست جنایی نوین را که اصطلاحاً «کیفرشناسی نو، جرم شناسی نو، عدالت سنجشی و ریسک جرم» لقب گرفت رقم زدند و خواستار کنار زدن سیاست های اصلاح و درمان شدند (به نقل از: کونانی و سلطانی بیگدلی، ۱۳۹۳).

2. Probation

3. Semi-Release System -

کیفری به‌ویژه زندان داشته باشد، تأثیر بسزایی در حفظ ثبات خانوادگی مجرم دارد و اصلاح مجرم را در دستور کار خود قرار می‌دهد. از طرف دیگر، اصل فردی بودن مجازات را نیز تضمین می‌کند (فخرایی، ۱۳۹۳: ۴۳).

نظام آزادی مشروط:^۱ از جمله دیگر جایگزین‌های حبس^۲ و ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادرکننده حکم به محکوم اعطا می‌شود و نمایانگر توجه خاص قانونگذار به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی اوست (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۷: ۷۱). در واقع صورت تکامل‌یافته سیستم حبس تدریجی یا ایرلندی است که براساس آن، محکوم پس از تحمل مدتی حبس مقرر در حکم در داخل زندان، با شرایطی آزاد می‌شود (توجهی، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

۲.۱. نهادهای ارفاقی نوین

قانونگذار در رویه نوین قوانین کیفری نهادهایی را پیش‌بینی کرده که اساساً برگرفته از حقوق کیفری کشورهای غربی است. اینکه این نهادها در کشورهای مبدع در اصلاح و بازپروری مجرمان با توفیق روبه‌رو بوده‌اند، قابل بررسی و تأمل است و کارایی آنها تا حدودی زیر سؤال رفته است و اندیشه معروف مارتین سون که هیچ‌چیز کارایی ندارد^۳ (ساعدی و قیاسی، ۱۳۹۳؛ شاملو و پاک‌نیت، ۱۳۹۴) و سیاست‌های بازگشت به کیفر و تسامح صفر به‌خصوص در جرائم خرد و نظریه‌های پنجره‌های شکسته، بیشتر نمایانگر عدم کارایی رویکردهای نوین قانون مجازات اسلامی‌اند.

معافیت از کیفر: ماده ۳۹ قانون که «نهاد معافیت از کیفر» یا به‌نوعی بی‌کیفری را تجویز کرده، یکی از متعالی‌ترین تحولات قانون جزای اسلامی جدید است و نشان می‌دهد عملکرد مقنن در این بُعد کاملاً هم سو با بایسته‌های علم جرم‌شناسی به‌خصوص جرم‌شناسی بالینی می‌باشد (حق‌پناهان، ۱۳۸۳: ۶۵).

تعویق صدور حکم:^۴ ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی نهاد جدیدی است که سابقه تقنینی در حقوق کیفری ایران ندارد و اعمال آن اختیاری و در صورت حصول شرایطی از جمله وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی، شرایط وقوع جرم توسط مرتکب در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت می‌باشد و مدت آن شش ماه تا دو سال است. تعویق صدور حکم از صورت‌های قضایی عدم اجرای مجازات است و راهکاری قضایی برای چشم‌پوشی قاضی از اجرای مجازات تعیین‌شده نسبت به

1. L'alibération Conditionnelle or Probationnal Release System

۲. برای دیدن نظر مخالف و موافق، ر.ک: روشن قنبری، ۱۳۷۶: ۲۳-۲۴؛ لاسال، ژان-ایو، ۱۳۷۹: ۲۷۳؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۳۷۸.

3. Nothing works

۴. «از هنگام لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی در خرداد ۱۳۹۲ تا پایان مهر ۱۳۹۳، نزدیک به سه هزار قرار تعویق صدور حکم در کشور صادر شده است که در این میان کمتر از چهل مورد از آن دادگاه‌های تهران بوده است. علت این تمایل کم قضات ناشی از نو بودن این نهاد از یک سو و نگرش به جایگاه و اعتبار صدور حکم به‌منظور احراز مجرمیت از سوی دیگر، گاه سبب می‌شود تا تعویق صدور حکم راه درازی را بگذرانند تا در سامانه کیفری ایران استوار شود». برای مطالعه بیشتر ن.ک: عالی و توحیدی نافع، ۱۳۹۴: ۳۳۱-۳۱۱.

محکومانی است که یا جرم ارتكابی آنها کم‌اهمیت است یا موقعیت ایشان و شخصیتشان به‌گونه‌ای است که صرف محکومیت به تنهایی به برآورده شدن اهداف مجازات منجر شده است و دیگر نیازی به اجرای مجازات نیست (عالی‌پور و توحیدی نافع، ۱۳۹۴: ۳۱۲).

نظارت یا کنترل تحت سامانه‌های الکترونیکی^۱: ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی نهادی برآمده از تحولات سریع و فراگیر فناوری‌های الکترونیکی و مخابراتی و اینترنتی است که مقنن کیفری^۲ با الگوبرداری از نمونه‌های مشابه مکان‌یابی اینترنتی در زمینه فناوری اطلاعات سعی در تحت نظارت قرار دادن محکومان به حبس تعزیری درجات پنج تا هشت در محیطی خارج از محیط زندان دارد (فروغی و ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۰۲). نظارت الکترونیکی چه از نوع فعال و چه انفعالی، علاوه بر کنترل نیروی انسانی نیازمند فناوری پیشرفته است که خود مستلزم بهره‌مندی از نیروهای متخصص، کارمند و دستگاه‌های پیشرفته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۵۶۷).

مجازات‌های جایگزین حبس^۳: براساس تعریفی، مجازات‌های جایگزین عبارت است از تغییر و تعویض مجازات مصرح قانونی به نوع دیگر که مناسب‌تر به حال متهم باشد.^۴ جایگزین‌های مجازات زندان در مفهوم گسترده آن، «هر گونه ضمانت اجرایی است که بتواند از همان ابتدا به‌طور کلی مانع توسل به مجازات زندان شود یا مدت زندان را کوتاه‌تر کند (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). به عبارت دیگر مجازات‌های جایگزین حبس، مجازات‌هایی هستند که از ورود بزه‌کاران مرتکب جرائم کم‌اهمیت به زندان جلوگیری می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۲: ۹). ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «مجازات جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که در صورت گذشت شاکی و... تعیین و اجرا می‌شود» و به موجب تبصره همان ماده دادگاه نمی‌تواند بیش از یک مجازات جایگزین حبس تعیین کند. آیین‌نامه نحوه اجرای ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی به ذکر نحوه تعیین و اجرای مقررات مربوط به خدمات پرداخته است. در راستای سیاست جنایی مشارکتی در بستر جامعه و نه در مؤسسه‌ها و نهادهای دولتی همانند زندان و مؤسسه‌های مشابه، اعمال و اجرا می‌شود. امروز مطالعات زیادی از نوع اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناسی، خطرهای این کیفر را آشکار کرده است (پرادل، ۱۳۸۷: ۱۳۹). **توبه^۵:** به‌عنوان یک نهاد جدید دیگر از نوآوری‌های دیگر قانون مجازات اسلامی است که مقررات آن در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ پیش‌بینی شده است. توبه یکی از نهادهای تربیتی اسلامی است که اثر آن در پیشگیری از جرم انکارناپذیر است. اگرچه پیش از آن، در قوانین مجازات اسلامی پس از انقلاب، به تأثیر توبه در سقوط مجازات به‌طور پراکنده اشاره شده بود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۴۲).

1. Electronic Monitoring or Tagging

۲. در نظام کیفری ایران به موجب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه اجرایی بند «و» تبصره ۱۷ ماده واحده قانون بودجه مصوب هیأت وزیران در سال ۱۳۹۳ امکان اعمال نظارت الکترونیکی در همه مراحل دادرسی وجود دارد.

3. Prison Aalternatives Punishment

۴. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس، ۱۳۸۱، سخنرانی احمد مظفری: ۱۶۱.

5. Repentance

قاعده «دراء»^۱: به‌عنوان قاعده کلی در قوانین کیفری شکلی و ماهوی ایران تا سال ۱۳۹۲ جایگاهی نداشت، اما قانون مجازات اسلامی ۹۲ مصادیق قاعده مزبور را شناسایی و ذیل عوامل سقوط مجازات‌ها بیان کرده است. مفاد مبحث ششم، ناظر بر قاعده فقهی «تدراء الحدود بالشبهات» است. در قانون سابق مقنن به پیش‌بینی این تأسیس نپرداخته و فقط در جرائم حدی مفاد آن را مورد پذیرش قرار داده بود، درحالی‌که مقنن جدیداً بر وجه اطلاق و در کلیه جرائم مبادرت به پذیرش آن نکرده است (حق‌پنهایان ۱۳۸۳: ۱۴۰).

۳.۱. رویکرد قضات و سیاست جنایی قضائی

از منظر جامعه‌شناسی تفکر حاکم بر دستگاه قضایی و نوع نگرش قضات می‌تواند در اجرای احکام مؤثر باشد (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۹۳: ۱۵۷). «عواملی که به شکل بارزی در ماهیت نظام حقوقی یک جامعه آثار و نتایج آن تأثیر می‌گذارد، فلسفه و برداشت قاضی در زمینه علت وجودی قوانین و نقش و کنش اجتماعی آنهاست» (صانعی، ۱۳۸۱: ۴۱۹). اصل تفرید قضایی راهکاری برای تعدیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات است تا برداشت صرف قانونی. نهادهایی که به‌عنوان نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی شناسایی شده‌اند، اغلب راهکارهای نوین قانونگذار برای پیاده‌سازی اصول تفرید قضایی از جانب قضات در سیاست جنایی یک نظام کیفری است. تفویض اختیار بی‌حد و حصر و بدون ضابطه به قضات کیفری در اعمال نهادهای کیفری یادآور دوران بی‌قانونی و بی‌عدالتی است (کیانی و سلیمان‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۷۷). در این وادی ذکر این نکته مهم لازم است سیاست جنایی قضائی، آن سیاست جنایی است که در تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌های دادگستری منعکس و مندرج است (لازرز، ۱۰۷۵: ۱۰۵). این سیاست انعکاس سیاست جنایی تقنینی در جریان رسیدگی قضایی و نیز تفسیری است که قضات دادگاه‌ها در حین اجرای قانون از قانون به‌عمل می‌آورند (کونانی، ۱۳۹۲: ۶۵). سخن از اهمیت و فلسفه و تاریخچه و نگرش مقنن در وضع «نهادهای ارفاقی» آنگاه دارای اهمیت است که کارآگاهان و قضات سیستم عدالت کیفری با داشتن تخصص و آگاهی کافی، شرایط بهره‌مندی نظام عدالت را از این‌گونه نهادها فراهم سازند. غرض اینکه توانایی و سپس تمایل مقامات قضایی اندیشه کیفری قانونگذاران را به نتیجه و سرانجام می‌رساند و الا صرف وجود قانونی متروک که صرفاً وجود دارد و نبودش آنچنان ناملموس نباشد نه در حکمت شارع است و نه شایسته قضات و نه مفید هیچ فایده‌ای. لذا با قبول این فرض منطقی که مقنن در هر نظام کیفری پس از بررسی همه‌جانبه کلیه جوانب مبادرت به وضع قوانین نموده، این نتیجه که قضات می‌بایست از این نهادها استفاده کاربردی و کامل نمایند، منطقی‌ترین نتیجه ممکن است. چگونگی نگرش قضات به معنای اختیار کامل ایشان در اعمال یا عدم اعمال «نهادهای ارفاقی» نیست؛ کما اینکه این موضوع که قضات الزامی بی‌چون و چرا در اعمال «نهادهای ارفاقی» داشته باشند نیز تفسیر غیرمنطقی خواهد بود، لکن قضات نیز به‌عنوان عامل انسانی با روحیات و باورها و سطح معلومات و توانایی‌های فنی و علمی و میزان اشراف به قوانین جدید و تمایل به اعمال نهادهای جدید موردنظر مقنن، سهم

بسیاری در استفاده از نهادهای مذکور خواهند داشت. در حال حاضر نگرش از مطلق‌انگاری در اجرای مجازات‌ها، به واقع‌نگری تغییر یافته است و مجازات بیش از عقوبت و تنبیه، به اصلاح بزهکار می‌اندیشد، به همین دلیل زمانی که اجرای مجازات ضرورت ویژه‌ای نداشته باشد یا اینکه اعطای فرصتی دیگر به بزهکار جهت جبران مافات، مناسب باشد، در این صورت سیاست کیفری کشورهای مختلف متمایل به نرمش در اجرای مجازات است (محمد نسل، ۱۳۸۳: ۳۴۲). اساساً اندیشه‌های فلسفی درباره مجازات، هر یک در پی آن بوده‌اند تا شناختی قابل اتکا از چیستی و چرایی کیفر، ارائه کنند. سزاگرایی و پیامدگرایی، دو گرایش عمده در قلمرو فلسفه کیفرند که هر یک با منطقی ویژه به بحث در خصوص ماهیت و فلسفه مجازات پرداخته‌اند. سزاگرایان، پیش از هر چیز، اندیشه حسن ذاتی مجازات را مورد پذیرش قرار داده‌اند، اما دیدگاه فایده‌گرایی مجازات را آنگاه که سودمندی اجتماعی داشته باشد، مفید می‌دانند.^۱ اینکه قضات کیفری معتقد به کدامین دیدگاه در زمینه کیفر باشند، در اعمال مجازات توسط ایشان تأثیرگذار است. علی‌ای حال هرچند موضوع این نگاشته بررسی علل نگرش مثبت یا منفی قضات به «نهادهای ارفاقی» نیست، بلکه صرفاً میزان اعمال نهادها با توجه به تعداد دادنامه صادره بررسی می‌شود، در حد ممکن به تأثیر نگرش قضات در این آمار توجه شده است.

۱.۴. الگوهای تصمیم‌گیری قضایی

تصمیم‌گیری قضایی مهم‌ترین رکن هر دعواست. این عامل در پرونده‌های کیفری افزون‌بر محتویات و حقایق پرونده، به شخصیت متهم و بزه‌دیده و کارکرد نهادهای عدالت کیفری نیز بازمی‌گردد، اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده، طرح‌واره ذهنی قاضی است که زیر عنوان الگوهای تصمیم‌گیری قضایی بررسی می‌شود. الگو، طرحی است که با تکیه بر واقعیت، پیوندهای میان عامل‌های اصلی یک پدیده را نشان می‌دهد. در پرونده‌های قضایی طرح کلی که مبنای تصمیم‌گیری را شکل می‌دهد، می‌تواند قانون، نگرش قاضی، استراتژی یا راهبرد قضایی و ویژگی‌های شخصیتی قاضی باشد که هر یک تحت عنوان یک الگوی تصمیم‌گیری بررسی می‌شوند. قانون نخستین الگویی است که در ذهن هر خواننده‌ای به‌عنوان الگوی بدیهی تصمیم‌های قضات شکل می‌گیرد، اما باید توجه داشت که قانون به‌تنهایی پاسخ‌چرایی تصمیم‌های قضات را نمی‌دهد. بر همین اساس پژوهش‌های بعدی نگرش، استراتژی و ویژگی‌های شخصیتی را واکاوی و اثبات کردند که این عوامل نیز خود بر تصمیم‌های قضات اثرگذارند. در پرونده‌های کیفری تصمیم‌گیری تنها بر پایه برگه‌ها و محتویات پرونده نیست. در بیشتر پرونده‌ها، عامل‌های اثرگذار بر تصمیم‌گیری کیفری بیرون از موضوع و

۱. افکار عمومی همواره خود را نیازمند توجیهی فراتر از تمایل ذاتی به مجازات می‌داند. پیامدگرایان، مجازات را به‌مثابه «شری ضروری» می‌دانند که مشروعیت آن، نه در اندیشه حسن ذاتی این پدیدار، بلکه در پیامدهای حاصل از اجرای آن نهفته است. نظریه‌پردازان فایده‌گرا، گونه‌های مختلفی از بازدارندگی را به رسمیت شناخته‌اند که براساس آنها رنج حاصل از تحمل کیفر، موجبات بازدارندگی مجرمان بالقوه و سابقه‌دار از ارتکاب جرائم احتمالی را پدید می‌آورد. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: جوان جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸-۵۹.

محتویات پرونده است، همانند شخصیت و پیشینه متهم، شخصیت و پیشینه بزه‌دیده، کارکرد نهادهای عدالت کیفری و عامل‌هایی از این دست. در این میان، یکی از عامل‌های اثربخش «طرحواره/ساختار ذهنی دادرسی کیفری» است که در ادبیات حقوقی و قضایی ما کمتر به آن پرداخته شده است. گروهی از دادرسان، از یک الگوی قانونی برای تصمیم‌گیری پیروی می‌کنند؛ گروهی دیگر، بر پایه نگرش‌ها و خط‌مشی‌های ویژه‌ای که در دوران کار قضایی پیدا کرده‌اند، تصمیم می‌گیرند؛ گروهی نیز به پیروی از دیدگاه‌های دیگر همکاران یا اشخاص یا نهادهای بیرون از دستگاه قضایی به تصمیم می‌رسند.

در نگاه کلان، الگوهای تصمیم‌گیری قضایی را می‌توان به دو دسته بیرونی و درونی طبقه‌بندی کرد؛ الگوهای بیرونی، الگوهایی‌اند که در پیوند با عوامل و شرایط بیرون از شخصیت دادرسی به فکر و اندیشه او جهت‌دهی می‌کنند که عبارت‌اند از الگوهای قانونی و راهبردهای خط‌مشی‌ها و الگوهای درونی، الگوهایی‌اند که ریشه در تربیت، شخصیت و پیشینه زندگی دادرسی دارند و سازنده نگرش‌ها و باورهای او در گذشته به‌شمار می‌آیند.^۱

۲. روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی^۲ است. امروزه شاید تحقیق پیمایشی متداول‌ترین روش مشاهده در علوم اجتماعی باشد. این روش با مجموعه‌ای از اطلاعات سازمان‌یافته و منظم که می‌توان آن را «ماتریس^۳ داده‌ها» یا «جدول مادر» نامید، مشخص می‌شود. این روش تنها به معنای فن خاصی برای جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه دو ویژگی مهم این روش شکل گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آنهاست. این پژوهش از لحاظ نوع هدف کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر و به لحاظ زمانی مقطعی و از لحاظ شیوه اجرا از نوع علی-مقایسه‌ای است. از آنجا که متغیرهای نگرش قضات و «نهادهای ارفاقی» جدید را مقایسه می‌کند، بنابراین روش علی مقایسه‌ای روش مناسبی است. شایان ذکر است داده‌های این پژوهش از نوع کمی است که در آن یافته‌های حاصل از طریق روش‌های آماری یا سایر ابزارهای کمی‌سازی به‌دست آمده است.^۴

هدف کاربردی این تحقیق آن است که با بررسی آمار، میزان تمایل قضات به اعمال «نهادهای ارفاقی» جدید مشخص شود تا هم نهادهایی که تمایل بیشتر به اعمال آنها وجود دارد معلوم شود و

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: منصورآبادی و همکاران، ۱۳۹۶.

2. Survey

۲. ماتریس به آرایشی مستطیلی از اعداد یا عبارات ریاضی که به‌صورت سطر و ستون شکل گرفته، گفته می‌شود. به‌طوری‌که می‌توان گفت هر ستون یا هر سطر یک ماتریس، یک بردار را تشکیل می‌دهد (فرهنگ ویکی‌پدیا).

۳. در مقطع زمانی شش ماه اول سال ۱۳۹۶ و در پهنه محاکم کیفری استان کردستان اعم از بدوی و تجدیدنظر و به‌علت عدم امکان مراجعه حضوری به کلیه شعب بدوی تمامی پرونده‌های شعبات بدوی که پس از اعتراض طرفین به محاکم تجدیدنظر ارسال و به صدور رأی منجر شده‌اند، از طریق سیستم مدیریت پرونده قضایی که با توجه به تغییرات متعدد آن بسیار دقیق می‌باشد و البته با کمک متخصصان واحد انفورماتیک استان، آمار براساس دادنامه‌های صادره استخراج و بررسی شده است.

نیز نهادهای جدیدی که کمتر توسط قضات مورد استقبال گرفته و به عبارتی با فرهنگ قضایی ناسازگار است، شناسایی شوند تا تحقیق به عنوان معرفی در این زمینه مدنظر مقنن و رؤسا و مسئولان ذی ربط قرار گیرند و درصدد برطرف کردن ضعفهای تقنینی یا قضایی یا اجرایی، نهادهای مذکور برآیند.

پژوهش حاضر مانند بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته با محدودیت‌های مواجه است، از جمله دسترسی نداشتن به تمامی شعبات کیفری به صورت مستقیم و شعبه به شعبه در سطح و گستره استان کردستان و صرفاً استفاده از پرونده‌های مورد اعتراض شعبات بدوی در دادگاه تجدیدنظر استان کردستان؛ دسترسی نداشتن به آمار شعبات دادگاه انقلاب به لحاظ شرایط امنیتی پرونده‌ها؛ عدم همکاری شعبات در ارائه آمار و محدودیت‌های موجود در این زمینه و عدم تمایل دستگاه قضایی به ارائه آمار.

۲.۱. نمونه و روش نمونه‌گیری

در این تحقیق «نهادهای ارفاقی» را که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ذکر شده‌اند، در پژوهشی میدانی و با ارزیابی مبتنی بر آمارهای عینی سیستم مدیریت پرونده قضایی، بدین‌نحو که ابتدا دادنامه‌های صادره از کلیه شعب کیفری دو و تجدیدنظر استان کردستان، براساس متغیر وابسته (میزان تمایل قضات شعب کیفری) و متغیر مستقل (نهادهای ارفاقی)، سپس ضریب همبستگی استخراج و معناداری ارتباط حاصل با پیش‌فرض بررسی شده است. در ادامه با تدقیق در آمار مأخوذه و بهره‌برداری از نرم‌افزار تحلیلی spss16 از بین حجم نمونه ۴۴۰۰ دادنامه پرونده‌های کیفری نیمه اول سال ۱۳۹۶ به صورت خوشه‌ای محتویات دادنامه‌ها در خصوص «نهادهای ارفاقی» اعمال شده توسط قضات محاکم کیفری استان کردستان استخراج و رابطه معناداری که مدنظر و به عنوان فرضیات تحقیق است، یعنی تمایل مثبت قضات به اعمال نهادهای سنتی و عدم تمایل به نهادهای جدید ارفاقی سنجش شد. دلیل انتخاب شش ماه اول سال ۹۶ امکان بررسی آرای قطعیت‌یافته بدوی و تجدیدنظر در مجموع و اتمام روند کیفری پرونده و مقایسه رویکرد قضات تجدیدنظر در تأیید یا رد رویکرد محاکم بدوی و رویکرد خود شعبات تجدیدنظر در این خصوص بود و به نظر می‌رسد سال ۹۶ به عنوان آخرین مقطع زمانی و به نوعی زمان بروز آخرین نگرش‌های قضایی در سیستم عدالت کیفری جهت نزدیک بودن نتیجه تحقیق با آخرین تحولات قضایی روایی و اعتبار منطقی‌تری را اثبات می‌کند.

۲.۲. جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق دادگستری کل استان کردستان است که دارای یازده شعبه تجدیدنظر است که شعبات ۱۱، ۱، ۴ و ۹ اغلب به پرونده‌های کیفری رسیدگی می‌کنند. این حوزه قضایی در شهرستان‌ها و بخش‌های مختلف استان نیز دارای شعبات متعدد حقوقی و کیفری است که آمار در

دسترس و ممکن‌الوصول شعبات کیفری شهرستان‌های سنندج، سقز، کامیاران، مریوان، قروه، بیجار، دیواندره، دهگلان، سروآباد، بانه، دادگاه عمومی بخش موچش و حسن‌آباد یاسوکنند استخراج شد. همچنین دادنامه‌هایی که پس از تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان کردستان در سال ۱۳۹۶ منتج به صدور رأی نهایی شده، سنجش شده‌اند. نکته مهم سعی محقق در بررسی آماری روند رسیدگی یک پرونده کیفری از شعبات بدوی تا شعبه تجدیدنظر بوده است تا رویکرد مراجع تجدیدنظر و بدوی نسبت به اعمال «نهادهای ارفاقی» دقیق‌تر مشخص شود، از این‌رو آمار مذکور از طریق سیستم مدیریت پرونده قضایی که سیستمی جامع متمرکز و بسیار دقیق و دارای ضریب خطای تقریباً صفر است، با مشاهده آرای صادره شعبات اخذ شده است و بالغ بر ۲۲۰۰ پرونده در سطح استان از شعبات مختلف انتخاب و آرای بدوی و تجدیدنظر پرونده‌های مذکور مشاهده شد که در نتیجه ۴۴۰۰ رأی در مجموع بدوی و تجدیدنظر ملاحظه و جامعه آماری به‌صورت نمونه تصادفی به تعداد ۴۴۰ پرونده از جامعه در دسترس کلی مدنظر بررسی شده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۱ است. شعبات مختلف به‌عنوان خوشه‌ها فرض شده‌اند که به‌علت دسترسی نداشتن به همه این شعبات، شعبات تجدیدنظر استان کردستان به‌عنوان خوشه‌های نمونه انتخاب و از پرونده‌های موجود در این شعبات استخراج اطلاعات انجام گرفته است.

۲.۳. روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از روش‌های آماری زیر استفاده شده است:

الف) روش‌های آمار توصیفی برای تحلیل مقدماتی داده‌ها شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره‌ها؛

ب) روش‌های آمار استنباطی شامل تحلیل واریانس چندمتغیری.

شایان ذکر است که متغیر وابسته این تحقیق «نهادهای ارفاقی» هستند که اصولاً یا جدیدالتأسیس‌اند یا نهادهای قبلی بوده که به‌نوعی دارای تغییرات جدیدی هستند یا اساساً با همان وضعیت سابق، تا حدودی بیشتر مدنظر قضات کیفری بوده‌اند. هرچند این تحقیق می‌توانست با ارائه پرسشنامه‌ای تأثیر متغیرهای مانند میزان تحصیلات و ویژگی‌های شخصیتی قضات و میزان

۱. در این روش نمونه‌گیری، یک نمونه تصادفی از گروه‌ها یا خوشه‌هایی از افراد و نه واحدهای منفرد گرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر واحدهای نمونه‌گیری خوشه‌هایی هستند مانند خانواده‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، بلوک‌های شهری، دهکده‌ها و غیره. در اینجا فهرستی از خوشه‌ها تهیه کرده و به روش تصادفی از بین آنها نمونه را انتخاب می‌کنیم، سپس افرادی را که در هر یک از خوشه‌ها قرار دارند، مطالعه می‌کنیم. در این روش نمونه‌گیری، ابتدا از بین خوشه‌های جمعیت مورد مطالعه، به‌صورت تصادفی نمونه را انتخاب می‌کنیم. سپس از افراد هر خوشه نیز به‌صورت تصادفی تعدادی را انتخاب می‌کنیم که در این صورت نمونه‌گیری حالت دومرحله‌ای پیدا می‌کند. چنانچه در داخل خوشه‌های انتخاب‌شده (مثل شهرستان‌ها و پروژه‌های ملی)، خوشه‌های دیگری (مثل روستاها) را انتخاب کنیم و داخل هر روستای منتخب‌شده به‌طور تصادفی افرادی را انتخاب کنیم، نمونه‌گیری حالت چندمرحله‌ای پیدا می‌کند.

سابقه یا مسائل مهم دیگری چون ابهام قوانین جدید و عدم تصویب آیین‌نامه‌های لازم و مسائل متعدد دیگر را نیز بررسی کند، نظر به محدودیت و موانع عملی و حفاظتی این امر مقدور نشد. از این رو ناگزیر به این میزان که صرف آمار موجود مستخرج و مستند شود، کفایت شده است.

۲.۴. روش محاسبه حجم نمونه

پژوهشگر به منظور تسهیل تحقیق و صرفه‌جویی در زمانی و مکانی و امکان جمع‌آوری و تحلیل دقیق داده‌ها دست به تعیین حجم نمونه آماری می‌زند (ساعی، ۱۳۸۸: ۲۵). در تعیین حجم نمونه، عوامل گوناگونی همچون اهداف تحقیق، روش تحقیق، امکانات مالی و زمانی تحقیق تأثیرگذارند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر که مشهور به فرمول کوکران^۱ است، استفاده شده است. در این فرمول از جامعه انتخابی درصدی به‌عنوان نمونه استخراج و بررسی می‌شود.

$$n = \frac{\tau^2 pq}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{\tau^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)$$

t=در این فرمول: برای سطح اطمینان ۹۵٪، ضریب اطمینان 1/96

P=نسبت حائزان صفت خاص در جمعیت و برآورد آن

q=نسبت عدم حائزان صفت خاص در جمعیت و برآورد آن

d=دقت احتمالی مطلوب

N=حجم نمونه^۲

حجم نمونه براساس فرمول فوق

$$n = \frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{.05^2} \div \left(1 + \frac{1}{77856} \left(\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{.05^2} - 1 \right) \right) = 450$$

$$\tau = 1/96 \quad p = 0/5 \quad q = 0/5 \quad d = 0/05 \quad N = 77856$$

همان‌گونه که مشاهده شد، براساس این فرمول در سطح اطمینان ۹۵٪ حجم نمونه برآورده شده

برابر با ۴۴۰ پرونده است که در این تحقیق ۴۴۰ پرونده مبنای کار قرار گرفته است.

۱. Cochran test این آزمون برای مقایسه بیش از دو گروه که وابسته باشند و مقیاس آنها اسمی یا رتبه‌ای باشد و برای آزمون تغییرات یک نمونه در زمان‌ها یا موقعیت‌های مختلف به کار می‌رود. این فرمول در تحقیقات غیرآزمایش اصطلاحاً پیمایشی استفاده می‌شود.

۲. مبحثی در روش تحقیق است که باید با روش علمی آماری به محاسبه آن بپردازد، زیرا مقدار خطا در نمونه‌گیری باید تحت کنترل باشد. کم یا زیاد بودن حجم نمونه سبب ناروایی نتایج می‌شود.

۲.۵. فنون مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق از آمار توصیفی^۱ و همچنین آمار استنباطی^۲ برای آزمون روابط بین متغیرها استفاده می‌شود. برای توصیف داده‌ها از جداول یک‌بعدی، توزیع فراوانی و درصدی، نمودار و همچنین از شاخص‌های مرکزی و میانگین استفاده می‌شود. در سطح استنباطی با توجه به مقیاس سنجش داده‌ها و فرضیات، با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای وضعیت متغیر تحقیق و مؤلفه‌های آنها در جامعه تعیین می‌شود. زمانی از آزمون تک‌نمونه‌ای^۳ استفاده می‌کنیم که بخواهیم ببینیم آیا میانگین یک متغیر تفاوت معناداری با یک مقدار ثابت (مقدار آزمون) دارد یا خیر؟ (قیصری گودرزی، ۱۳۹۲).

۲.۶. ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق به منظور تحلیل داده‌ها چه در سطح آمار توصیفی و چه در سطح آمار استنباطی از نرم‌افزار Spss 16 استفاده شد. همچنین حجم نمونه براساس فرمول کوکران از میان نمونه^۴ در دسترس^۴ انتخاب شد. بدو نهادها موجود شناسایی و اطلاعات مربوط به هر نهاد در نرم‌افزار مذکور وارد و رابطه^۵ این نهادها در تحلیل منطقی سنجش شده است. در هر شعبه بنا به جمعیت شهرستان به نسبت پرونده‌های مشخصی که به صدور رأی محکومیت منجر شده، انتخاب شده‌اند و در موضوعات کیفری مختلف این امر مدنظر بوده تا اغلب جرائم منجر به کیفر که قابلیت اعمال «نهادهای ارفاقی» را دارند، مورد توجه قرار گیرند.

۲.۷. تعیین قابلیت اعتماد

قابلیت اعتماد^۵ عبارت است از میزان همسانی نتایج سنجش مکرر. این مفهوم در پاسخ به این پرسش است که اگر یک مجموعه از چیزها را با ابزار اندازه‌گیری یا ابزار مشابه آن بارها اندازه‌گیری کنیم، آیا نتایج مشابه به دست خواهیم آورد؟ قابلیت اعتماد یا پایایی از سویی نشان‌دهنده دقت و ثبات و از سوی دیگر بیانگر اشتباه وسیله اندازه‌گیری است. به عبارت دیگر، اگر محققان دیگر همان موضوع را با همان روش و ابزارها بررسی کنند یا اینکه یک محقق در مشاهدات مختلفی که از یک موضوع دارد به نتایج مشابهی برسد، آن آزمون دارای قابلیت اعتماد است (قیصری گودرزی، ۱۳۹۲: ۲۹).

1. descriptive statistics**2. Inferential statistics**

One sample run test.^۳ یک آزمون آماری است که در مواقعی به کار می‌رود که توالی مقادیر متغیرها را بخواهیم آزمون کنیم که آیا تصادفی بوده است یا خیر؟ در این روش یک نمونه از جامعه آماری داریم و می‌خواهیم میانگین آن را با حالت معمول و رایج استاندارد و حتی یک عدد مورد انتظار مقایسه کنیم. در این آزمون فرض بر این است که نمونه‌ای به حجم n داریم و میانگین m از یک جامعه انتخاب کرده‌ایم و سعی بر این است که بررسی کنیم این نمونه یک نمونه تصادفی از جامعه است یا خیر؟

4. samalina method**5. Reliability**

در این پژوهش برای سنجش قابلیت اعتماد ابزار تحقیق از روش آلفای کرون^۱ باخ در نرم افزار 16 Spss استفاده شده است. تمامی تلاش‌های کارگزاران نهاد قضایی و قانونگذار اتخاذ بهترین سیاست کیفری در راستای احقاق عدالت است.

۳. یافته‌های پژوهش

در این قسمت نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش اول که مربوط به یافته‌های اصلی پژوهش است، ابتدا آماره‌های توصیفی شامل فراوانی، درصد میانگین و انحراف معیار مربوط به «نهادهای ارفاقی» و متغیرهای پژوهشی مربوط به میزان اعمال این نهادها توسط قضات ارائه می‌شود.

با توجه به فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیرها با استفاده آزمون t تک‌نمونه‌ای «نهادهای ارفاقی» و شعبات کیفری اعمال‌کننده نهادها بررسی و تعیین می‌شود، به‌علاوه از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون^۲، تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیری برای تعیین رابطه متغیرها با میزان اعمال این نهادها در شعبات مختلف کیفری استان استفاده می‌شود. در بخش یافته‌های جانبی رابطه متغیرهای ارفاقی، از لحاظ قلت و کثرت کاربرد در شعبات مختلف کیفری بررسی می‌شود.

جدول ۱. میزان پراکندگی نهادهای ارفاقی در شهرهای استان

تخفیف مجازات	جایگزین‌های حبس	آزادی مشروط	نظام نیمه آزادی	تعلیق مجازات	تعویق صدور حکم	معافیت از کیفر	درء توبه	تعداد پرونده انتخابی در هر شعبه	نهاد ارفاقی
۵	۵	۲	۲	۲		۱	۱	۱۸	۱۰۱ سندج
۷	۳	۳		۲		۲		۱۷	۱۰۲ سندج
۶	۳	۲	۱	۱	۱	۲		۱۶	۱۰۳ سندج
۵	۴	۴	۱	۳		۲		۱۹	۱۰۴ سندج

۱. Cronbach alpha یا قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه یک آزمون آماری است که حاصل آن یک ضریب به نام الفای کورنباخ است.

۲. ضریب همبستگی نوع رابطه مستقیم یا معکوس و همچنین شدت رابطه بین دو یا چند متغیر را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی همیشه بین -۱ و ۱ است. اگر $1 =$ باشد، در آن صورت تمامی نقاط بر روی یک خط راست قرار دارند و همبستگی کامل و مثبت است.

۷	۱	۳		۲		۱	۱	۱۵	۱۰۵ سندج
۸	۲	۱	۲	۴		۱		۱۸	۱۰۶ اسندج
۶	۳	۳		۳	۱	۲	۱	۱۸	۱۰۷ اسندج
۵	۳	۲		۲	۱	۲	۱	۱۶	۱۰۱ اسقز
۷	۲	۲	۲	۴				۱۷	۱۰۲ اسقز
۵	۲	۳	۱	۲				۱۳	۱۰۱ امریوان
۵	۲	۲	۱	۳		۱	۱	۱۵	۱۰۲ امریوان
۵	۱	۳	۱	۱				۱۱	۱۰۱ پانه
۵	۲	۱	۱	۳				۱۰	۱۰۲ پانه
۵	۲	۱		۲		۱		۱۱	۱۰۱ کامیاران
۵	۳	۲	۱	۱				۱۲	۱۰۲ کامیاران
۴	۲	۱		۳		۱		۱۱	۱۰۱ دیواندره
۵	۲	۱		۲				۱۰	۱۰۲ دیواندره
۵	۲	۱		۱		۱		۱۰	۱۰۱ دهگلان
۳	۲	۲	۱	۲				۱۰	۱۰۲ دهگلان
۵	۲	۲	۱	۲				۱۳	۱۰۱ قروه
۴	۲	۱		۲		۱		۱۰	۱۰۲ قروه
۳	۳	۱	۱			۱		۹	۱۰۱ بیجار
۴	۱	۱		۱		۱		۸	۱۰۲ بیجار
۴	۱	۱		۱				۷	حسن آباد ياسو کند
۳	۱	۱		۲				۷	بخش موچش
۴	۲	۱		۱		۱		۹	سروآباد
۴	۱	۱		۱				۷	کلاترزان
۱۴	۵	۸	۳	۵				۳۵	یازدهم تجدید نظر
۱۴	۸	۶		۸			۲	۳۸	نهم تجدید نظر
۱۵	۸	۵	۲	۱۰				۴۰	اول تجدید نظر

جدول ۱ نشان‌دهنده شهرستان‌هایی است که به‌عنوان حجم نمونه و به‌صورت تصادفی نهادهای ارفاقی اعمالی در آنها بررسی شده است. برای نمونه در شعبه ۱۰۱ کیفری ۲ سنندج تعداد ۱۸ پرونده به‌عنوان حجم نمونه بررسی شده است که از این میان در ۵ پرونده نهاد تخفیف مجازات و در ۵ پرونده جایگزین‌های حبس و در ۲ پرونده آزادی مشروط و در ۲ پرونده نظام نیمه آزادی و در ۲ پرونده تعلیق مجازات و در ۱ پرونده معافیت از کیفر و در یک پرونده توبه به‌عنوان نهادهای ارفاقی استفاده شده‌اند و از نهاد تعویق صدور حکم عملاً بهره‌برداری صورت نگرفته است. به همین منوال دستاورد کمی تمامی شعبات بارگذاری شده و بسته به جمعیت و تعداد شعبات کیفری هر شهرستان تعداد پرونده‌های مشخصی انتخاب و دادنامه‌های آن شعبات مورد تدقیق واقع شده‌اند. ملاحظه در شعبات تجدیدنظر استان که محل تجمع تمامی دادنامه‌های شعبات بدوی بررسی شده است، دادنامه‌های بیشتری را شامل شده که در توالی یکسان همان روال شعبات بدوی قابل مشاهده و همچنان دادنامه‌های بدوی یا تأیید شده‌اند یا از نهادهای سنتی ارفاقی مانند تخفیف و آزادی مشروط و تعلیق استفاده شده است و به‌ندرت از نهادهای ارفاقی جدید بهره‌برداری می‌شود.

۳. ۱. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

۳. ۱. ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل پژوهش

میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

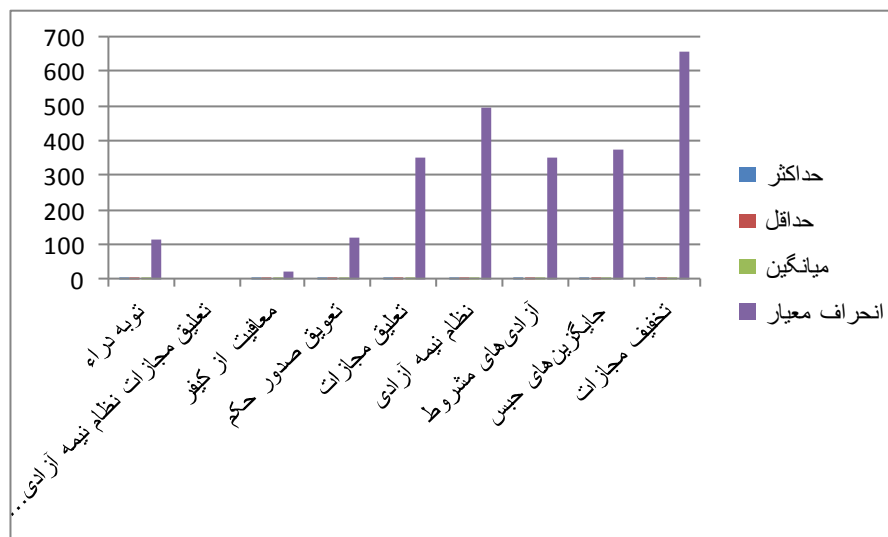
متغیر	حداکثر	حداقل	میانگین	انحراف معیار
تخفیف مجازات	۲	۱	۱,۶۳	.۱۱۴
معافیت از کیفر	۲	۱	۱,۹۶	.۱۹
تعویق صدور حکم	۲	۱	۱,۹۸	.۱۱۷
تعلیق مجازات	۲	۱	۱,۸۵	.۳۴۹
نظام نیمه آزادی	۲	۱	۱,۹۵	.۴۹۲
آزادی‌های مشروط	۲	۱	۱,۸۵	.۳۵۱
جایگزین‌های حبس	۲	۱	۱,۸۲	.۳۷۶
توبه - قاعده درء	۲	۱	۱,۹۸	.۶۵۷

جدول ۲ وضعیت میانگین و انحراف متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. بر این اساس «توبه» و «قاعده درء» دارای بیشترین میانگین و کمترین انحراف معیار است. همچنین «تعویق صدور حکم» دارای وضعیت مشابه «توبه» و «قاعده درء» است. کمترین میانگین در میان مؤلفه‌های جدول ۲ متعلق به تخفیف مجازات است و همچنین این رویه دارای بیشترین انحراف معیار است.

۳.۱.۲. فراوانی و درصد متغیرهای پژوهش

جدول ۳ به‌وضوح نشان می‌دهد که نهاد «تخفیف مجازات» با فراوانی ۷۰۰ و «نظام نیمه آزادی» با فراوانی ۵۰۰ و نهاد «تعلیق مجازات» با فراوانی ۳۵۰ انحراف معیار فراوان‌تری در مقایسه با سایر نهادهای بررسی شده دارند.

جدول ۳. فراوانی و درصد متغیرهای پژوهش



۳. ۱. ۳. استفاده از نهادهای ارفاقی

جدول ۴. درصد استفاده از نهادهای ارفاقی

متغیر	بله	درصد	خیر	درصد
تخفیف مجازات	۱۷۴	۳۸,۶	۲۷۵	۶۱,۴
توبه - درء	۶	۱,۳	۴۴۵	۹۸,۷
جایگزین حبس	۷۷	۱۷,۱	۳۷۴	۸۲,۹
معافیت از کیفر	۱۸	۴	۴۳۳	۹۶
تعویق صدور حکم	۶	۱,۳	۴۴۵	۹۸,۷
تعلیق مجازات	۶۴	۱۴,۲	۳۸۷	۸۵,۸
نظام نیمه آزادی	۲۹	۶,۴	۴۲۱	۹۳,۳
آزادی‌های مشروط	۶۵	۱۴,۴	۳۸۶	۸۵,۶

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود در پرونده‌هایی که در استان کردستان در زمینه مورد بررسی موجودند، قضات این استان گرایش بیشتری به تخفیف مجازات با ۱۷۴ رأی، جایگزین‌های حبس ۷۷ رأی، آزادی مشروط ۶۵ مورد و تعلیق مجازات ۶۴ مورد دارند و تعویق صدور حکم، توبه و درء و معافیت از کیفر دارای کمترین فراوانی‌اند. نتایج این جدول نشان‌دهنده آن است که قضات به قوانین و قواعد حقوقی قدیمی‌تر و جاافتاده‌تر تمایل بیشتری دارند و معتقدند اینها بیشتر می‌تواند کارساز باشد.

۳.۱.۴. ضریب همبستگی

جدول ۵. ضریب همبستگی تا او بی کندال بین متغیرهای پژوهش

متغیر	توبه- دراه	معافیت از کیفر	تعویق صدور حکم	تعلیق مجازات	نظام نیمه آزادی	آزادی مشروط	جایگزین‌های حبس	تخفیف مجازات
توبه، قاعده دراه، تعلیق مجازات	۱,۰۰۰	۰,۶۶	-۰,۱۵	۰,۰۰۰	۰,۴۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۵۷	-۰,۲۵
معافیت از کیفر	۰,۶۶	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۴۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۵۷	۰,۲۵	۰,۲۱
تعویق صدور حکم	-۰,۱۵	-۰,۲۴	۱,۰۰۰	-۰,۴۷	-۱,۰۱	۰,۱۱۸	۰,۵۰	۰,۶۷
تعلیق مجازات	۰,۲۲	۰,۰۰۰	-۰,۵۰	۱,۰۰۰	-۰,۴۷	۰,۱۲۳	۰,۳۵	۰,۱۹
نظام نیمه آزادی	۰,۴۰	-۰,۰۵	-۱,۰۱	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	-۰,۰۱	۰,۱۵	۰,۳۲
آزادی مشروط	۰,۰۰۰	-۰,۱۹	۰,۱۱۸	۰,۱۲۳	-۰,۰۱	۱,۰۰۰	۰,۱۵	۰,۳۲
جایگزین حبس	-۰,۰۵۷	-۰,۳۲	۰,۵۰	۰,۳۵	-۰,۱۷	۰,۲۵	۱,۰۰۰	۰,۱۰۲
تخفیف مجازات	-۰,۲۵	-۰,۲۱	۰,۶۷	۰,۱۹	۰,۴۲	۰,۳۲	۰,۱۰۲	۱,۰۰۰

جدول ۵ ضریب همبستگی تا او بی کندال^۱ بین متغیرهای پژوهشی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی تا او بی کندال که به ضریب تقارن معروف است و برای صفات مرتب‌شده به کار می‌رود و شدت همبستگی بین دو متغیر ترتیبی یا یک متغیر ترتیبی یا یک متغیر ترتیبی و دیگری متغیری فاصله‌ای را (در جامعه‌های با حجم نمونه بزرگ) می‌سنجد. براساس نتایج این جدول بین برخی از موارد ضریب همبستگی مثبت و بین بعضی دیگر ضریب همبستگی منفی وجود دارد. همبستگی مثبت به این معناست که احتمال صدور و استفاده از یک رویه قضایی احتمال استفاده از یک رویه قضایی دیگر را افزایش می‌دهد و ضریب منفی دقیقاً عکس این وضعیت است و با افزایش احتمال یک رویه آن دیگری کاهش می‌یابد.

۴. بررسی فرضیه‌های تحقیق

۴.۱. فرضیه نخست: تمایل قضات به اعمال نهادهای جدید کم است

«به نظر می‌رسد اگرچه قانونگذار ایران، متأثر از رویکردهای رأفت مدار اسلامی و تأکیدیهای

1. tau-b Kendall

بین‌المللی، البته با فاصله چند دهه‌ای از کشورهای پیش رو، تأسیسات کاهنده جمعیت کیفری زندانیان را در قوانین کیفری سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است تا به اهداف اصلاحی نظام کیفری دست یابد اما یافته‌های نظری پژوهشگران، موفقیت زندان‌زدایی در ایران را به جهت موانع پیش روی آن با توجه به فرهنگ حبس‌گرای ایرانیان و شیوه نگارش قانون، مورد تردید قرار داده‌اند» (منصورآبادی و کونانی، ۱۳۸۹). مقنن و متولیان تصویب قوانین و رویه‌های قضایی جدید هنوز نتوانسته‌اند ضرورت و اهمیت استفاده از این رویه‌ها را برای قضات توجیه کند و ویژگی‌های مثبت و ارزنده این قوانین را برشمارند. بر این اساس قضات همچنان به صدور رأی براساس رویه‌های قضایی قدیمی‌تر و ریشه‌دار علاقه‌مندند و چندان این قوانین و نهادهای قضایی جدید را نمی‌پسندند و آن را ثمربخش ارزیابی نمی‌کنند. عوامل خاص قضایی مؤثر بر حبس‌گرایی قضات در این رویه بی‌تأثیر نیستند. عواملی از جمله فقدان سازوکارهای مراقبت بعد از خروج، اعتقاد به بی‌تأثیری مجازات‌های جایگزین حبس، نبود سازوکارهای اجرایی برخی از جایگزین‌ها، سابقه مطالعاتی و کار قضایی، پیشینه قضایی در رسیدگی به جرائم سنگین و بی‌تجربه بودن قاضی، عوام‌گرایی کیفری، فقدان آموزش‌های جرم‌شناختی، عدم بازدید از زندان و بی‌توجهی به شرایط آن.

۴.۲ فرضیه دوم: نهادهای قدیمی چون دارای ثبات بیشتری هستند، بیشتر استفاده می‌شوند

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از ضریب همبستگی تا او بی‌کندال و همچنین فراوانی و درصد‌های موجود می‌توان گفت که این فرضیه نیز به تأیید رسیده است، به این معنی که قضات شعب تجدیدنظر استان کردستان براساس آمارهای مورد بررسی تمایل بیشتری به صدور رأی براساس نهادهای قدیمی دارند که دارای ثبات بیشتری هستند و هنوز اعتماد کاملی به نهادهای جدید ندارند و آن را عملاً ناکارآمد قلمداد می‌کنند.^۱ به‌نظر می‌رسد باید متولیان تلاش بیشتری را در جهت اشاعه و تثبیت نهادهای قضایی جدید به‌عمل آورند. از سیاست‌های تشویقی گرفته تا کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و توجیهی می‌تواند گامی در جهت استفاده و تثبیت این نهادهای حقوقی جدید باشد و قطعاً نتایج مثبت آن به کل نظام قضایی و جامعه باز خواهد گشت. بعضاً شاهدیم که کلیت «نهادهای ارفاقی» عنوان‌شده در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ جدید نیستند، لیکن نهادهای قبلی نیز تا حدودی دچار تغییراتی هستند که وجه حمایتی و مراقبتی آنها بر وجه صرفاً سزاگرایانه‌شان برتری دارد و از سوی دیگر، قضات کما فی سابق تمایل بیشتری به اعمال این نهادها دارند و این رویه با وجود تصویب قانون جدید و گذشت چندین سال از لازم‌الاجرا شدن آن همچنان حداقل حاکمیت ذهنی و سیطره عملی خود را بر جامعه قضایی حفظ کرده است و بررسی

۱. مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها»، مستنداً به پرسشنامه‌ای با درج نتیجه نموداری پاسخ و درصد تمایل جامعه هدف که از قضات شاغل دادگستری آذربایجان غربی و شرقی بوده‌اند تا حدودی بیان‌کننده میزان و علل عدم تمایل قضات به نهادهای ارفاقی است. این تحقیق هرچند در گستره مکانی دیگری انجام گرفته است، با تعمیم نتایج آن به پیش‌فرض این تحقیق می‌توان قائل به این بود که نتایج این پژوهش تا حد زیادی با واقع منطبق است (برای مطالعه بیشتر رک: میر خلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۹۹).

دادنامه‌ها و تصمیمات مأخوذه در شعب کیفری بدوی و تجدیدنظر حاکی از قدرت‌نمایی حداکثری نهاد‌های مانند تخفیف مجازات حبس و جزای نقدی و تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط است و شاید عدم تسلط کامل قضات بنابر علل گوناگون و به‌نوعی ناآشنایی با نحوه کاربرد نهاد‌های جدید، سبب مکتوم و مغفول ماندن اعمال ارفاق‌های نوین شده است. عدم تصویب آیین‌نامه‌های اجرای، عدم تسلط کامل قضات و نو بودن نهادها و حاکمیت تفکر غالب استفاده از نهاد‌های قبلی به علت آشنایی بیشتر با نحوه اعمال آنها و عدم برگزاری دوره‌های فنی رشد و توسعه قضایی و... می‌تواند از علل این ناکامی باشد. در این میان پدیده‌ای عوام‌گرایی کیفری نیز به‌عنوان موضوعی چالش‌برانگیز تأثیرات خاصی بر رویکرد دستگاه قضا دارد. عوام‌گرایی برگردانی است از واژه پوپولیسم، واژه‌ای که عده‌ای آن را به توده‌گرایی یا مردم‌گرایی (برینجیان، ۱۳۷۱: ۶۵۸) ترجمه کرده‌اند. در تعریف عوام‌گرایی گفته‌اند: «رویکردی است که براساس آن، مقامات سیاست جنایی با تمرکز بر جلب افکار عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌های را که فاقد مبنای علمی و کارشناسی‌اند تدوین و اجرا می‌کنند» (مقدسی و فرجیپه، ۱۳۹۰: ۱۱۶)؛ بنابراین در عوام‌گرایی یا عوام‌زدگی کیفری، صحبت از سیاست‌های کیفری است که به‌جای پیگیری اهداف و فلسفه کیفر و توجه به محدودیت‌ها و پیامدهای به‌کارگیری کیفر، به جلب افکار عمومی یا جهت‌دهی آن یا فریب دادن آن توجه دارند. نمونه بارز آن را در پرونده قتل قهرمان فقید کشورمان (نگهدار، ۱۳۹۲: ۳۶) یا در پرونده خفاش شب یا در پرونده‌های جنایی اخیر بنیتا و اهورا و ...^۱ می‌توان به‌وضوح دید که در غالب موارد تهییج رسانه‌ای و انعکاس جرائم واقع‌شده و سن و شرایط قربانیان و موج‌سواری‌های بعضاً سیاسی و بزرگ‌نمایی مفهومی این حوادث سبب اتخاذ تصمیمات عوام‌گرا جهت فرونشاندن افکار عمومی برانگیخته و اعمال مجازات در کمترین زمان ممکن و به‌نوعی عدول از پارامترهای دادرسی منصفانه و نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم شده است.^۲ به‌نظر می‌رسد عوام‌گرایی در ابعاد تقنینی و قضایی و اجرای در نظام عدالت کیفری تأثیرگذار است. در خصوص سزاگرایی کیفری، با توجه به دامنه اقل و اکثری که در غالب مجازات‌ها حاکمیت دارد، عدول از مبانی فردی کردن مجازات‌ها می‌تواند

۱. در جریان قتل ورزشکار فقید و ارزشمند کشورمان مرحوم «روح‌الله داداشی» و «کودکان خردسال اهورا و بنیتا» جدا از تأثر قلبی شدیدی که این حادثه‌های دردناک در دل ملت به‌جای گذاشت، همگان شاهد بودیم که چگونه تمامی شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های دیداری و شنیداری با چه حمله تبلیغاتی مواجه شدند تا ضمن رسانه‌ای کردن گسترده جرم، سیستم قضایی را در مقابل افکار عمومی قرار دهند و سیستم پلیسی و قضایی نیز در حداقل زمان ممکن نسبت به دستگیری و محاکمه و مجازات عامل قتل تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای جهت جلب افکار عمومی و فرونشاندن خشم و ترس مردم مبادرت ورزند. مسئله قابل بحث که در قتل‌های خیابانی که به این‌گونه رسانه‌ای می‌شوند جای بسی تأمل دارد؛ عدم رعایت حقوق متهم یا عدم رعایت مواعید دادرسی و صدور حکم‌های شتابزده بدون اقتناع قضایی و ... است که در شأن دستگاه عدالت نیست. کمالینکه در قتل‌های فجیع‌تر و نمونه‌های مشابه تر با مراجعه به پرونده‌های فراوان قضایی ملاحظه می‌گردد که از آنجایی که سیستم عدالت تحت فشار افکار عمومی نیست رسیدگی‌های منطقی با موازین دادرسی عادلانه صورت می‌گیرد؛ و حتی جهت نیل به رضایت اولیای دم پرونده سالیان متمادی جریان می‌یابد. نمونه دیگر نیز جریان اختلاس بزرگ مالی است که تحت تأثیر افکار عمومی و با توجه به درگیر شدن ذهنیت عموم آحاد جامعه به وجود مسئله فساد کلان اقتصادی در دستگاه‌های دولتی از طریق رسانه‌ای شدن موضوع تا به حال به این اندازه مسئولان دستگاه قضایی در انتظار عمومی حاضر نشده و در القای حس مجازات حتمی مرتکبان به افکار عمومی نکوشیده‌اند.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص عوام‌گرایی کیفری، ن. ک: پرت، جان، ۱۳۹۲: نگهدار، ۱۳۹۲.

ناشی از توجه جامعه قضایی به نوع تفکر حاکم در افکار عمومی باشد و چنانچه مقبولیت اجتماعی و پذیرش در افکار عمومی پارامتری مهم تلقی شود، می‌تواند سبب رویگردانی یا تمایل قضات به نوع خاصی از پارادایم‌های عدالت ترمیمی، عدالت سنجشی و سزاگرایانه یا عدالت بازپرورانه باشد. در جامعه کنونی ما آنچه پرواضح است تمایل جامعه و عوام به‌عنوان کاراثری تأثیرگذار، معطوف به سزاگرایی و برخورد خشن با مجرمان است و همین امر می‌تواند سبب عدم تمایل قضات و بنیة فکری آنها به اعمال نهادهای ارفاقی باشد. هرچند نباید این مهم را فراموش کرد که نهادهای ارفاقی بیشتر در جرائم خرد قابلیت اعمال دارند تا جرائم جنایی مانند قتل و تجاوزات به عنف. این در حالی است که به‌رغم کاهش نرخ ارتکاب جرم در بسیاری از کشورهای غربی، جمعیت کیفری زندان‌ها با صدرنشینی ایالات متحده آمریکا در حال افزایش است و دولت‌ها در تعیین و توسعه سیاست کیفری خود به‌جای دنبال کردن قواعد و راهبردهای سازمان‌های مربوط، از احساسات و هیجانات عامه مردم تأثیر پذیرفته و این عوام‌گرایی به ایجاد پیوندهای قوی میان سیاستمداران و جنبش‌های اجتماعی جرم ستیز و مدعیان طرفدار حمایت از حقوق بزه‌دیدگان منجر شده است (پرت، ۱۳۹۲).^۱ از سوی دیگر، امنیت و احساس امنیت و ترس ناشی از وقوع جرائم به‌ویژه جرائم دارای وجه رسانه‌ای و دارای قابلیت مانور و جهت‌گیری‌های سیاسی، نمودی دیگر از تابعیت قضات از رویکردهای سزاگرایانه است (فرجیها، ۱۳۸۶: ۳۰). احساس امنیت یک پدیده روان‌شناختی-اجتماعی است که ابعاد گوناگونی دارد و به معنای امنیت خاطر شهروندان از مال و جان و... که خود بیانگر سازمان‌یافتگی و قانونمندی و باثبات بودن جامعه است و بر این اساس از مهم‌ترین شاخص‌های وجود جامعه باثبات و دارای نظم و امنیت اجتماعی، پایین بودن میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی است و از این‌رو احساس امنیت را می‌توان احساس مصونیت فرد در مقابل تهدیدهای که از جانب کنشگران دولتی و غیردولتی جان، مال، فکر، توانایی افراد برای شرکت در اجتماعات دلخواه یا حفظ این اجتماعات را تهدید می‌کند توصیف کرد (طاهر و مظفری‌نیا، ۱۳۹۵: ۵۵). ترس از بزه‌دیدگی مستقیم یا ترس از بزه‌دیدگی غیرمستقیم ناشی از وقوع جرم در جامعه از جمله مصادیق احساس ناامنی ناشی از وقوع جرم در جامعه است؛ احساسی که به انحای مختلف در جامعه قضایی نیز می‌تواند انعکاس یابد، چراکه قضات هم خود و هم خانواده و اطرافیان عضوی از جامعه مرعوب‌اند که با توجه به فضای غالب رسانه‌ای که گویا کاربرد حاکم در آن ایجاد ترس و هراس از بزه‌دیدگی در جامعه است، ناخودآگاه به اپیدمی هراس و مقاومت دچار می‌شوند که نتیجه آن تمایل به مجازات‌های سالب آزادی و سزاگرایی خواهد بود، حتی اگر این فرض را ضعیف بدانیم در جامعه توده‌گرای ایرانی به

۱. «شهرت عمده وینستون چرچیل برای رهبری انگلستان در دوران آلمان نازی است. اما وی پیش از این سمت، وزیر دادگستری بریتانیا بود و در سال ۱۹۱۰ سخنرانی مشهوری راجع به مجازات‌ها ایراد نمود: احساس و تصور مردم در رابطه با واکنش نسبت به جرم و مجرم یکی از معتبرترین و پایدارترین آزمون‌های تمدن در تمام کشورهاست. شناسایی آرام و بی‌طرفانه حقوق دفاعی متهم و حتی مجرمان محکوم‌شده در برابر دولت، پیگیری مجازات مجرمان با آرزو و اشتیاق بازپروری کردن آنها در دنیای صنعتی امروز برای همه کسانی که حقوق خود را در مجازات جست‌وجو می‌کنند، تلاش خستگی‌ناپذیر برای کشف فرایندهای بازپروری و اعتقاد راسخ به اینکه در قلب هر انسانی گنجی برای یافتن وجود دارد.» با اندکی تخیل به نقل از (پرت، ۱۳۹۲).

ضرس قاطع رویکردهای عوام‌گرایانه جزئی‌جدایی‌ناپذیر از تفکر حاکم در نظام قضایی چه در بعد تقنین و چه در بعد اجراست. ترس ایجادشده در جامعه و احساس ناامنی از وقوع جرم و رویکرد کیفرگرایی صرف در میان افکار عمومی بر اقدامات قضات تأثیرگذار خواهد بود که نمونه بارز آن تصویب قوانین شتاب‌زده و کارشناسی‌نشده و به دور از مبانی جرم‌انگاری است؛ همانند آنچه بر سر قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند آمد و همانند آنچه هر روز پس از وقوع جرائم به اصطلاح جنایی و خشن بر سر مجرمان این‌گونه جرائم می‌آید. در این میان نباید نقش رسانه‌ها را فراموش کرد. رسانه‌ها تأثیر معناداری بر تصویر کلی جرم در درون جامعه دارند. گستره این تأثیر تا آنجاست که می‌توان گفت انگاره‌هایی که بر آگاهی عمومی درباره جرم سایه افکنده، اغلب محصول رسانه‌های الکترونیکی و چاپی است، لذا بدیهی است که رسانه‌ها می‌توانند تأثیری شگرف بر چگونگی شکل گرفتن تعریف کلی جرم در بستر جامعه داشته باشند.^۱ اخبار نوشتاری و شنیداری و دیداری نقش مهمی در ارائه تصویر جرم به مردم و توسعه سازمان‌هایی مانند پلیس در جامعه دارند. رسانه‌ها همچنین نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری افکار عمومی در مورد جرم و بزهکاری ایفا می‌کنند (هینز و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۹). این در حالی است که کسی منکر قبح و زشتی جنایت تجاوز به کودکی بی‌دفاع و قتل وی نیست، لیکن آیا اصول دادرسی عادلانه را نباید رعایت کرد و آیا اعدام محکومان برای سرپوش نهادن بر دردهای نهفته و تاول‌گونه فراوان اجتماعی برای کاهش ترس از جرم در جامعه نیست و آیا این پاک کردن صورت مسئله و فرار از واقعیت نیست؟ این رویکردهای جامعه قضایی صرفاً بازخوردی از رویکرد فکری قضات و عدم تمایل به ارفاق و تحمل و بخشش و بازپروری مجرمان است که ماهیتی زرانود به خود گرفته و برخلاف استقلال قضات است.

نتیجه

نهاد عدالت کیفری در راستای اعتلای شعار و هدف‌گایی خود که همان برقراری عدل و قسط در جامعه و مجازات خاطیان و پیشگیری از وقوع جرم و بازسازی مجرمان است، هر آن درصد است تا ضمن شناسایی ابزارهای لازم، مبادرت به جرم‌انگاری منطبق با موازین و اصول نوین حقوق کیفری مبتنی بر آموزه‌های مهم فرهنگی، اجتماعی، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بنماید. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان آخرین بیان و اراده مقنن اسلامی با تلفیقی بعضاً ناهمگون و مبهم مبادرت به ایجاد نهادهایی کرده که اصولاً نامگذاری آنها تحت عنوان «نهادهای ارفاقی» مبرهن این حقیقت است که شارع تمایل داشته تا قضات از رویکرد صرف سزاگرایانه با انعطافی رأفت‌مدار به این وادی متمایل شوند که به آموزه‌های نوین علوم کیفری توجه

داشته باشند. از جمله استفاده از انگاره‌هایی همچون «معافیت از کیفر»، «تعویق صدور حکم»^۱ و «نظارت الکترونیکی»، «جایگزین‌های حبس»، «نظام نیمه آزادی»، «تعلیق اجرای مجازات»، «اعطای آزادی مشروط»، «قاعده درء»، «تحولات مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان» که ترکیبی از مصادیق سنتی در قوانین قبلی و مصادیق جدید مدنظر مقنن است، تلاشی درخور توجه در این زمینه است. نتیجه‌بخشی این نهادها، مستلزم اشراف قضات به‌عنوان کارگزاران دستگاه عدالت کیفری در آگاهی و به‌کارگیری نهادهای جدید است. علی‌رغم این تلاش شایسته و مقررات نوین مندرج در اساسنامه سزای علوم جنایی در قالب قانون مجازات اسلامی، آنچه با تمام کاستی‌ها محصل این نگارش پس از بررسی بالغ بر ۴۴۰۰ دادنامه صادره از حدود ۱۵ شعبه کیفری است، نشان از عدم نگرش مثبت قضات محترم محاکم کیفری استان کردستان به نهادهای جدید ارفاقی^۲ دارد و این در حالی است که زمان انجام این تحقیق و آمار مأخوذه آن نیمه اول سال قضایی ۱۳۹۶ و به تعبیری زمان بروز آخرین اراده‌های نگاهبانان قانون جزاست. گواه گویای این مدعی، آمار و جداول و نتایج تحلیلی آنهاست که همچنان نشان از رویکرد و نظر مثبت قضات به نهادهای سنتی و جالفتاده‌تری مانند تخفیف مجازات و تعلیق مجازات و آزادی مشروط دارند. نهادهایی چون تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، نظام نیمه آزادی، جایگزین‌های حبس، نظارت الکترونیکی، توبه و درء که از ورودی‌های جدید ارفاقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هستند، با کمترین اقبال و نظر مساعد قضات مواجه شده‌اند. نتیجه پژوهش در این خصوص مشخص‌کننده تمایل قضات محاکم تجدیدنظر به تأیید احکام شعبات بدوی و از سوی دیگر همانند این شعبات اعمال نهادهای ارفاقی سنتی مانند تخفیف و تعلیق مجازات است و نهادهای جدید همچنان با عدم استقبال مواجهند. در این میان نهاد معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، توبه و درء در مجموع ۴۴۰ پرونده انتخابی صرفاً دارای فراوانی ۳۰ پرونده و حدوداً کمتر از ۱۰ درصد پرونده‌ها را شامل شده است.

۱. «تعویق صدور حکم نهاد تازه زاده شده در نظام قضایی ایران است؛ این نهاد دو ظرفیت بالقوه دارد که هردو رویاروی هم هستند. از یک سو تعویق صدور حکم ممکن است مورد توجه دادرسان قرار نگیرد. همسانی این قرار و شرایطش با تعلیق اجرای کیفر و نیز پیش‌بینی معافیت قضایی به‌عنوان یک قاعده عام در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سبب می‌شود تا دادرسان به نهاد نو خو نگیرند. همچنین اگر امکان لازم برای اجرای قرار تعویق صدور حکم مانند به‌کارگیری مددکاران اجتماعی فراهم نگردد، در عمل ممکن است دادرسان از کاربرد مقرر ای تعویق مراقبتی خودداری کنند. از سوی دیگر قرار تعویق صدور حکم یک نهاد ساده و در دسترس است که در آن دادرسان به صدور رای دست نمی‌زنند و می‌توانند بر حسب صلاحدید و سلیقه خود از آن بهره‌گیرند» (به نقل از عالی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۳۰).

۲. در مجتمع کیفری ۲ سنندج و دادگاه تجدیدنظر که محقق از کارکنان شاغل در آن است، علی‌رغم امکان تحقیق میدانی، مشاهدات عینی محقق نشان می‌دهد که در میان قضات، دو گونه تفکر رایج است. یکی تفکری که مجازات‌های جایگزین را به‌عنوان راهکارهایی مناسب جهت حل‌وفصل جرائم می‌داند و معتقد است که ضرورت دارد همه نهادها در جهت اجرایی شدن کامل مقررات مربوط به جایگزین‌های مجازات حبس بکوشند و ایهامات در زمینه چگونگی اجرای قانون برطرف شده است. تفکری دیگر، اساساً این‌گونه جایگزین‌ها را مجازات نمی‌داند و معتقد است که دارای بازدارندگی لازم نیست و به لحاظ اجرایی محدودیت‌هایی دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت که تفکر تنبیهی و ترمیمی به موازات هم در این مجتمع حاکم است.

البته علل این نتیجه از منظر گوناگونی قابل بررسی است^۱، لکن معیارهایی چون نو بودن، ناآشنا بودن و عدم انس قضات و جامعه کیفری با این نهادها، ضعف، ابهام، تعارضات موجود یا عدم تصویب آیین‌نامه‌های لازم و نیز نبود شرایط و ضمانت اجراهای کافی و از سوی دیگر نیاز به برگزاری دوره‌های تشریح و تفسیر «نهادهای ارفاقی» و میزان تحصیلات قضات و تمایل ایشان به آموزه‌های نوین جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کیفری و رویکردهای مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری^۲ و فراگیر شدن ترس از بزه‌دیدگی ناشی از وقوع جرم و ذهنیت مجازات‌مدار جامعه و مدل دولت اقتدارگرا مانع مشارکت جامعه مدنی می‌تواند از جمله موانع قابل بحث در این زمینه باشد. به‌نظر می‌رسد بسترهای موجود در دستگاه قضایی در زمینه اعمال مجازات حبس و نهادینه شدن حبس‌گرایی و آثار انکارناپذیر محسوس به‌ویژه از دید افکار عمومی، موجب می‌شود تا مجازات حبس به‌مراتب مطلوب‌تر و خوشایندتر از نهادهای حبس‌زدا باشد. حجم بالای پرونده‌ها و کمی‌گرایی و آمارگرایی از مهم‌ترین دغدغه‌های قضات است و به‌جای دادرسی عادلانه و قناعت وجدان قضات بیشتر نگران آمار مثبت ماهانه هستند که سبب افزایش استرس قضات و افزایش اشتباهات قضایی و کاهش دقت ایشان و عدم تمایل به نهادهای نوین می‌شود. ناکارآمدی تأسیسات حبس‌زدا از دید غالب قضات به‌سبب تقلیدگرایی تقنینی و ندیدن واقعیت‌ها و ضعف زیرساخت‌ها و نیز غلبه تفکر سخت‌گیرانه در جامعه قضایی و کم‌توجهی به فضای قضاوت و دغدغه‌های قضات و نادیده گرفتن امکانات و ابزارها و بسترهای موجود و لحاظ نکردن فرهنگ بومی جامعه و رویکردهای اجتماعی افکار عمومی سبب شده که حسب یافته‌های پژوهش در رویه عملی قضات تمایل کمتری به ارفاقات جدید نشان دهند.

۱. نکته شایان ذکر دیگر این است که اجرای پروژه‌های نوین همواره دورنمای غرورآفرین و پرزرق‌وبرق دارند و در مقام تئوری همه چیز عالی و بی‌نقص جلوه می‌نماید. اما این با واقعیت و مقام عمل بسیار متفاوت خواهد بود و در همین زمینه مجازات‌های جایگزین از این قاعده مستثنا نبوده و ضروریاتی نیاز است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود که هر کدام نیازمند صرف دقت و هزینه و تحقیق و بررسی است تا اینکه تمام زوایای تاریک و مبهم آن روشن شود و در مرحله اجرا با مشکلات کمتری مواجه شود: ۱. آموزش و اطلاع‌رسانی کافی به قضات و افراد و نهادهای مربوط؛ ۲. فرهنگ‌سازی و آگاه ساختن مردم از عیب‌های زندان و کیفر حبس و اینکه کیفرهای جایگزین به معنای رها کردن مجرم و بی‌کیفر ماندن او نیست؛ ۳. فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم از جمله منابع مالی؛ ۴. استخدام و به‌کارگیری متخصصان مربوط از جمله مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی؛ ۵. بومی ساختن کیفرهای جایگزین با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده در جامعه در جهت همراهی جامعه با آنها؛ ۶. مشخص کردن محدوده وظایف همه ارگان‌ها و نهادها در اجرای کیفرهای جایگزین، اینکه آیا وزارت دادگستری متولی باشد یا قوه قضاییه و یا اینکه وزارت کار و تأمین اجتماعی و یا نهادهای مردمی دیگر و پیش‌نیازهای دیگری که نیازمند بررسی است. توجه نکردن به هر یک از این موارد و فراهم نکردن زمینه‌های لازم ممکن است پروژه اجرای مجازات‌های جایگزین را عملاً با شکست مواجه کند مانند تجربه تلخ کشورهای چک و کوبا در اجرای طیفی از کیفرهای جایگزین مانند کارهای عام‌المنفعه و ...

۲. در دهه‌های اخیر عوام‌گرایی سیاست کیفری بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه حاکمیت رویکرد عوام‌گرایی کیفری سیاست کیفری تلاش می‌کند طرح‌هایی را تدوین و اجرا کند که مورد پسند عامه مردم است. در سیاست جنایی عمل‌گرا آرام کردن بزه‌دیدگان و کسب وجه سیاسی توسط متولیان دولتی مبارزه با جرم، نزد افکار عمومی و مردم، با اهداف سیاسی دنبال می‌شود. در تعریف عوام‌گرایی نیز گفته‌اند که عوام‌گرایی کیفری رویکردی است که براساس آن مقامات سیاست جنایی با تمرکز بر جلب افکار عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که فاقد مبنای علمی و کارشناسی‌اند تدوین و اجرا می‌کنند.

پیشنهاها:

- با توجه به یافته‌های پژوهش آنچه به‌وضوح خودنمایی می‌کند عدم تمایل قضات به نهادهای جدید ارفاقی است. از این رو پیشنهاد می‌شود ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی علل این عدم تمایل موضوع تحقیق علمی و آماری قرار گیرد.
- برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای آشنایی قضات توسط استادان متخصص «نهادهای ارفاقی» و آموزش نحوه اعمال آنها به قضات.
- اجرا و تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم به‌منظور اجرا و اعمال نهادهای ارفاقی در اسرع وقت.
- پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر دادگستری‌های کشور به‌صورت دقیق و شعبه به شعبه انجام گیرد تا آسیب‌های ناشی از آن استخراج شود.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، ج ۳، چ اول، تهران: میزان.
۲. ایولاسال، ژان (۱۳۷۹). «جایگزین‌های سالب آزادی و برآورد ترازنامه اجرایی آنها در حقوق فرانسه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، دوره ۳، ش ۱۲۸، ص ۲۷۱-۲۸۲.
۳. بابایی، محمدعلی؛ غلامی، میثم (۱۳۹۱). «مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی»، *پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی*، دوره ۱، ش ۳، ص ۵۹-۸۰.
۴. باهری، محمد (۱۳۸۰). *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، چ اول، تهران: انتشارات مجد.
۵. برنجیان، ماری (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. پرادل، ژان (۱۳۸۸). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، چ چهارم، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.
۷. توجیهی، عبدالعلی (۱۳۹۳). «درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه»، *مجله پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۲، ش ۵، ص ۹۳-۱۱۹.
۸. جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸). *تسامح صفر: سیاست کیفری سختگیرانه در قبال جرائم خرد*، تهران: میزان.
۹. حاجی تبار فیروزجانی، حسن (۱۳۸۷). «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۲، ش ۶۴، ص ۸۸-۶۸.
۱۰. حق‌پناهان، عباس (۱۳۸۳). *بررسی و تحلیل حقوقی و جرم‌شناسی قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی نوین*، تهران: جنگل.
۱۱. داودی گرمارودی، هما (۱۳۸۴). «مکتب نئوکلاسیک نوین و احیا رویکرد سزادهی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۶۸، ش ۶۸، ص ۶۵-۸۸.
۱۲. روشن قنبری، عطالله (۱۳۷۶). *جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق ایران و انگلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۵۱ ص.
۱۳. ساعدی، زهرا؛ قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۳). «چالش‌های اندیشه ناتوان‌سازی گزینشی بزهکاران»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۸، ش ۸۸، ص ۱۱۹-۱۳۹.
۱۴. شاکری، ابوالحسن؛ حیدری، سید مسعود (۱۳۹۶). «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۹، ش ۲۵، ص ۱۲۹-۱۵۶.
۱۵. شاملو، باقر؛ پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۴). «افتراقی شدن سیاست کیفری در پرتو پارادایم اثباتی و چالش‌های پیش روی آن در برخورد با رویکردهای نوین»، *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۶، ش ۱، ص ۲۰۱-۲۲۶.
۱۶. شکفته، مریم (۱۳۹۴). *ارزیابی حقوق بشری نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۹۲*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۷. شمس ناتری، ابراهیم؛ مصطفی پور، مسعود (۱۳۹۶). «تلاقی اندیشه‌های جرم‌شناختی «بازپروری» و «ناتوان‌سازی» در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره هشتم، ش ۱۵، ص ۱۱۱-۱۳۴.
۱۸. صانعی، پرویز (۱۳۸۱). *حقوق و اجتماع*، چ اول، تهران، نشر طرح نو.
۱۹. طاهری، زهرا و همکاران (۱۳۹۵). «تأثیر جرم بر احساس امنیت»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، دوره سوم، ش ۴۷، ص ۵۳-۷۹.
۲۰. طغری نگار، حسن (۱۳۸۱). *مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس*، تهران: سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.
۲۱. عالی‌پور، حسن؛ توحیدی نافع، جلال (۱۳۹۴). «تعویق صدور حکم تأخیر در اجرای عدالت یا تغییر در اجرای عدالت؟»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ش ۴، دوره ۲، ص ۳۳۱-۳۱۱.
۲۲. غلامی، حسین (۱۳۸۴). «سیاست کیفری سختگیرانه»، *فصلنامه دانش انتظامی*، ش ۲۷، ص ۹۵-۱۲۱.
۲۳. فخرایی، رکسانا (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی نظام نیمه آزادی در قانون مجازات اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی.
۲۴. فرجیها، محمد (۱۳۸۶). «بازتاب رسانه‌های جرم»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۸۶-۵۷.
۲۵. فروغی، فضل‌الله؛ ایرانی، امیر (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیک در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، *مجله مطالعات تطبیقی*، دوره ۷، ش ۲، ص ۶۰۱-۶۲۶.
۲۶. قماش، سعید و همکاران (۱۳۹۷). «سیطرة حبس‌گرایی و رویای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی کرمان)»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دانشگاه گیلان، سال نهم، ش ۱۷، ص ۵۹-۳۴.
۲۷. قیاسی، جلال‌الدین؛ حیدری، مسعود؛ اشرافی، محمود (۱۳۹۱). «بررسی تعویق صدور حکم در لایحه قانون مجازات اسلامی»، *مجله حقوق جزا و جرم‌شناسی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۷-۳۸.
۲۸. قیصری گودرزی، منیژه (۱۳۹۲). *کران‌های قابلیت اعتماد سیستم‌های منسجم با مؤلفه‌های مستقل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان.
۲۹. رابرت داگلاس‌وایت، فیونا هینز (۱۳۸۳). *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴). «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها»، *الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های حقوقی)*، سال پنجم، ش ۶ و ۷ (پیاپی ۱۵ و ۱۶)، ص ۲۵۷-۲۹۸.
۳۱. کونانی، سلمان؛ انصاری، جمال؛ مندمی، اسلام (۱۳۹۲). *سیاست جنایی از گفت‌وگو تا برساخت‌هایی ریزومیک شده و ناروا*، چ دوم، تهران: مجد.
۳۲. کونانی، سلمان؛ سلطانی بیدگلی، رضا (۱۳۹۳). «اصلاح و درمان مجرمان در حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه تعالی حقوق*، ش ۸ و ۹، ص ۱۱-۳۴.
۳۳. کیانی، محمد؛ مهدوی ثابت، محمدعلی؛ سلیمان‌آبادی، زهرا (۱۳۹۵). «تفرید فرآیند کیفری پیش از صدور حکم»، *فصلنامه قضاوت*، دوره ۱۶، ش ۸۷، ص ۹۹-۷۵.
۳۴. لازرژ، کریستین (۱۳۷۵). *سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: یلدا.
۳۵. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۳). «بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۶۴، ص ۲۴۱-۲۵۸.
۳۶. محمدی، داود (۱۳۸۲). «حبس و جایگزین‌های حبس»، *مجله کانون اصلاح و تربیت*، ش ۱۶، ص ۴۱-۳۷.
۳۷. مصدق، محمد (۱۳۹۳). *شرح قانون مجازات اسلامی با رویکرد کاربردی*، تهران: جنگل، جاودانه.
۳۸. مقدسی، محمدباقر؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۰). «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس*، دوره ۵، ش ۲.
۳۹. منصورآبادی، عباس؛ کونانی، سلمان (۱۳۸۹). *بسترهای جامعه‌مدار؛ با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی*، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ش ۱۵، ص ۳۲-۷.
۴۰. میرخلیلی، سید محمود؛ یعقوبی، تقی (۱۳۹۶). «بررسی عوامل قضائی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست‌وششم، ش ۸۲، ص ۱۲۸-۹۹.
۴۱. ناظرزاده، فرناز (۱۳۹۳). «بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ش ۶۵، ص ۱۵۷-۱۸۰.
۴۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). *تقریرات درس حقوق کیفری عمومی*، دانشگاه شهید بهشتی.

۴۳. ----- (۱۳۸۱). *تقریرات علوم جنایی*، دانشگاه شهید بهشتی.
۴۴. نجیبیان، علی (۱۳۹۴). «*تحلیل میزان بازتاب اندیشه‌های جرم‌شناسی انتقادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*»، نشریه *اندیشه‌های حقوق کیفری*، سال اول، ش ۱، ص ۵۷-۸۲.
۴۵. پرت، جان (۱۳۹۲). *عوامل‌گرایی کیفری، بسترها، عوامل و آثار*، ترجمه هانیه هزیر الساداتی، تهران: میزان.
۴۶. نگهدار، ایرج (۱۳۹۲). *نقش و جایگاه افکار و باورهای عمومی در سیستم عدالت کیفری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
۴۷. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۸). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، تهران: جنگل.
۴۸. جوان جعفری عبدالرضا؛ فرهادی آلاشتی، زهرا؛ ساداتی سید محمدجواد (۱۳۹۵). «*بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه کیفر*»، پژوهشنامه *حقوق کیفری*، ش ۱۴، ص ۵۹-۷۸.